

The issue of influence in the government and the strategy with it based on the analysis of Surah Manafekun

Alireza Nobari¹ | Seyyed Shahabuddin Yaqoubi Hiq²

Research Paper

Received:
23 July 2021
Accepted:
07 December 2022
P.P: 122-155

ISSN: 1025-5087
E-ISSN: 2654-4971



Abstract

One of the threats to the survival of the theocracy is the secret activity of the influence movements against it. Knowing the methods of influence and the appropriate ways to deal with it is very important to maintain political stability. One of the functions of the hypocrites in the Quran is organized influence in the faith community. Although the Qur'an has stated the issue of hypocrites in several chapters; Surah Manafekun is dedicated to this trend separately. Examining this surah shows that its central theme is related to certain functions of this current and the strategy to deal with it. By using penetration in government positions and decision-making centres, abusing economic problems and trying to direct public opinion, this current has tried to distance people from the support of religious leadership. Finally, with the help of foreign powers, it has gained political power in the centre of religious government gained. Society's lack of sufficient awareness of its main nature, as well as its distance from spirituality, provides the basis for the activity of this trend. What the content analysis of the surah shows is that 29% of the sentences of the surah are related to the introduction of influence and 71% are related to strategies to deal with it. These strategies have been taken into consideration at both levels of government and people. Identifying this trend, removing them from the power centres, trusting in God and replacing the firm and faithful elements are among the strategies of governance. On the other hand, the restoration of spirituality and the afterlife and economic support of vulnerable groups are among the duties of the faith community in this situation.

Keywords: The Influence of the Qur'an; Subversive Strategy Government; Hypocrites

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.3.5.6

1. Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran
A.nobari@ut.ac.ir
2. PhD student, Department of Islamic Studies, Faculty of Islamic Studies and Thought, University of Tehran, Tehran, Iran



مسأله نفوذ در حکومت و راهبرد مقابله با آن بر اساس تحلیل محتوای سوره منافقون

علیرضا نوبری^۱ | سید شهاب الدین یعقوبی هبیب^۲

چکیده

یکی از تهدیدات بقای حکومت دینی، فعالیت مخفیانه جریان‌های نفوذی علیه آن است. شناخت روش‌های نفوذ و شیوه‌های مناسب برای مقابله با آن برای حفظ ثبات سیاسی اهمیت زیادی دارد. یکی از عملکردهای منافقان در قرآن، نفوذ سازمان‌یافته در جامعه ایمانی است. گرچه قرآن موضوع منافقان را در سوره‌های متعددی بیان کرده است؛ اما سوره منافقون به صورت جداگانه‌ای به این جریان اختصاص یافته است. بررسی این سوره نشان می‌دهد موضوع محوری آن مربوط به عملکردهای خاصی از سوی این جریان و راهبرد مقابله با آن است. این جریان با استفاده از رخنه در مناصب حکومتی و مراکز تصمیم‌گیری، سوءاستفاده از مشکلات اقتصادی و تلاش برای جهت‌دهی به افکار عمومی، سعی کرده است مردم را از حمایت رهبری دینی دور کند و در نهایت با کمک گرفتن از قدرت‌های خارجی، قدرت سیاسی را در مرکز حکومت دینی به دست آورد. عدم آگاهی کافی جامعه از ماهیت اصلی آن و همچنین دوری از معنویت زمینه را برای فعالیت این جریان فراهم می‌کند. آنچه تحلیل محتوای سوره نشان می‌دهد ۲۹ درصد جملات سوره به معرفی جریان نفوذ و ۷۱ درصد آن مربوط به راهبردهای مقابله با آن است. این راهبردها در دو سطح حاکمیت و مردم مورد توجه قرار گرفته است. شناسایی این جریان، کنار گذاشتن آنان از مراکز قدرت، توکل به خدا و جایگزینی عناصر راسخ و مؤمن از جمله راهبردهای حاکمیت است. از طرف دیگر بازسازی معنویت و آخرت‌گرایی و حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر از وظایف جامعه ایمانی در این شرایط است.

واژگان کلیدی: نفوذ؛ قرآن؛ حکومت؛ راهبرد؛ براندازی؛ منافقان.

DOR: 20.1001.1.10255087.1401.31.3.5.6

A.nobari@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: استادیار، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری، رشته معارف اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱. پیشگفتار

نفوذ یا رخنه در ارکان حاکمیت در کنار شیوه‌های دیگر مانند ایجاد نارضایتی مدنی، یکی از شیوه‌های مخالفان به منظور براندازی آن است. نفوذ نوعی استراتژی سیاسی است که در آن یک سازمان یا کشور، اعضای خود یا طرفداران خود را برای پیوستن به سازمان‌های دولتی یا غیردولتی، نیروهای نظامی و غیره ترغیب می‌کند تا در تلاش برای گسترش نفوذ و گسترش ایده‌ها و برنامه خود باشد (روسنا، ۲۰۰۷: ۶).

حکومت اسلامی از بدو تأسیس در مدینه با چالش جریان‌های نفوذی مواجه بوده است. بنابراین شناسایی عملکرد جریان نفوذ و تحلیل راهبردهای مناسب جهت خنثی‌سازی آن در هر زمانی اهمیت زیادی دارد. ویژگی‌ها و شیوه‌های فعالیت این جریان در قرآن با کلیدواژه منافق قابل پیگیری است. گرچه آیات بسیاری در موضوع منافقان مورد توجه قرار گرفته است و عملکردهای متنوعی را از این جریان مورد توجه قرار داده است، اما اختصاص سوره‌ای مستقل برای تبیین ویژگی‌ها و عملکردهای مختلف این جریان، می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه چنین چالش مهمی در ساختار حاکمیت باشد. این پژوهش با روش تحلیل ساختاری سوره در قالب روش تحلیل محتوا نشان می‌دهد موضوع محوری سوره مسئله نفوذ و راهبردهای مقابله با آن است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره پدیده نفوذ از نگاه قرآن پژوهش‌های متعدد با رویکردهای مختلف انجام گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از:

۱. بابایی، محمدباقر، «راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن»، مجله سیاست دفاعی، بهار ۱۳۹۶.
۲. فرزندوحی، جمال، مهدی‌زاده، ماندانا، مبارکی، مریم، «نفوذ فرهنگی و جایگاه آن در قرآن و عهدین»، مجله احسن الحدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

این دو تحقیق گرچه به مسئله نفوذ پرداخته‌اند اما در پژوهش اول یک سوره محور بررسی‌ها قرار نگرفته است و در پژوهش دوم یکی از انواع نفوذ مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۲. روش پژوهش

هر یک از قطعات قرآن که سوره نام دارد، دارای وحدتی خاصی است که در بخشی از آن سوره یا سوره‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. بنابراین غرض‌های سوره‌های قرآن با یکدیگر تفاوت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱).

با توجه به نکته فوق این پژوهش با محوریت سوره منافقون و به منظور یافتن غرض اصلی آن انجام گرفته است. برای این منظور از روش تفسیر ساختاری استفاده شده است.

تفسیر ساختاری نگاهی سوره‌محور به قرآن دارد و در آن غرض یک سوره با مطالعه روی دسته‌بندی آیات و ارتباط سیاق‌ها با یکدیگر کشف می‌گردد (خامه‌گر، ۱۳۸۱: ۹-۱۰). یکی از روش‌های کشف غرض سوره، روش تحلیل محتواست. در بررسی سوره منافقون از این روش برای کشف ساختار سوره و فراوانی مطالب موجود در آن استفاده شده است. «تحلیل محتوا یک روش تحقیق برای ایجاد استنتاج‌های قابل تکرار و معتبر از یک متن یا هر موضوع معنادار دیگری، با استفاده از مفاد آن است.» (کریپندورف^۱، ۲۰۰۴: ۱۸)

به منظور نمونه‌برداری در تحلیل محتوای سوره، از واحد جمله که ۳۱ عدد بود استفاده شد و مطالب هر یک از آن‌ها در جدولی عنوان‌گذاری شد.

جدول ۱: برشی از جدول تحلیل محتوای سوره منافقون

عنوان عام	موضوع کلی	موضوع جزئی	تحلیل مضمون	آیه	جمله
معرفی جریان نفوذ	گونه‌ها و روش‌ها	نفوذ اجتماعی	در ارائه و تبیین برنامه‌های جایگزین دارای قابلیت‌های بالایی هستند و به راحتی می‌توانند افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند.	۴	وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ

1. Krippendorff

برای رسیدن به موضوع محوری یک سوره لازم است به قراین درون‌متنی سوره و قراین برون‌متنی آن توجه شود. یکی از عناصر مهم برون‌متنی برای کشف غرض یک سوره توجه به فضای نزول سوره است. فضای نزول که مربوط به مجموع یک سوره است، اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای است که با معارف آن سوره تأثیر و تأثر متقابل و دو جانبه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۴/۲). مراد از فضای نزول، حالات انسانی و شرایط محیطی مخاطبان سوره است که آثار آن‌ها در گزاره‌های اخباری و انشایی سوره منعکس شده است (خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۳۳۵).

برای به‌دست آوردن فضای نزول از دو راه می‌توان بهره جست: یک روش، استفاده از شأن نزول است؛ اما ضعف سند بسیاری از این روایات و تهافت آن‌ها مشکلات زیادی را به همراه دارد (معرفت، ۱۳۸۹: ۹۰). در این شیوه فقط روایاتی می‌توانند مورد استناد قرار گیرند که راوی آن شاهد تنزیل و واقف بر اسباب نزول بوده باشد و کمال کوشش را در دانستن انجام داده باشد (واحدی، ۱۳۸۳: ۱۰). شیوه دیگر استفاده از متن آیات است که در این پژوهش بیشتر مورد توجه بوده است. در این روش از تطبیق جمله‌های اخباری با واقع؛ که از آن به صدق کلام الهی یاد می‌شود، و نیز تطبیق جمله‌های انشائی؛ که اوامر و نواهی است، با نیازها؛ که از آن به حکمت الهی یاد می‌شود، فضای سخن فهمیده می‌شود (اللهی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۵). این نوع استفاده در واقع همان بهره‌جستن از قراین درون‌متنی است که از ارکان رسیدن به موضوع محوری هر سوره به شمار می‌آید.

۱-۳. مفهوم‌شناسی

راهبرد یا استراتژی^۱ به معنای تعیین اهداف و طراحی برنامه مشخص برای رسیدن به آن اهداف است. به بیان دیگر راهبرد، برنامه درازمدتی است که برای رسیدن به یک هدف بلندمدت مشخص، طراحی و تبیین می‌گردد (آقابخش‌ی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۶۶۰).
ماده «نفذ» به معنای عبور و خارج شدن از چیزی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۸۹/۸). در لغت، نفوذ کردن تیر در چوب یعنی سوراخ کردن آن و عبور به طرف دیگر آن است (راغب

1. strategy

اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۷). اما اصل ریشه «نفذ» را ورود دقیق در هر چیزی دانسته‌اند، چه مادی باشد چه معقول (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱۹۲/۱۲).

ماده نفوذ تنها در یک آیه از قرآن به کار است؛ «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَّقُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْقُذُوا لَا تَنْقُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (الرحمن: ۳۳). مفسران در تعیین منظور از نفوذ در این آیه دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند: گروهی منظور از نفوذ در آسمان‌ها و زمین را، شکافتن و گذر کردن از آن‌ها دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴۸/۲۳) و برخی دیگر نفوذ را به خارج شدن از سلطنت خدا تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۸۰/۲۷).

اما نفوذ در استعمال مجازی به معنای تأثیر گذاشتن بر کسی یا راه یافتن پنهانی در گروهی یا جایی به منظور هدفی به کار می‌رود (عمید، ۱۳۸۹: ۱۸۲۱/۲).

نفوذ به معنای اصطلاحی در علوم سیاسی با دو واژه تأثیرگذاری^۱ و رخنه^۲ شناخته می‌شود. منظور از تأثیرگذاری شکلی از قدرت است که متمایز با کنترل، اجبار، زور و مداخله است. نفوذ را می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به موجب آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست آنان نیست، عمل کند. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی است که فرد به وسیله آن‌ها در رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۳۱۴).

اما مراد از رخنه که به آن ورودگرایی^۳ هم گفته می‌شود، فرستادن گروه‌های کوچک یا افراد، از طریق شکاف‌ها و رخنه‌های خطوط و مواضع، به اردوی دشمن است (همان: ۳۱۳).

برخی اعتقاد دارند نفوذ بار ارزشی نیز دارد (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۶۸). پیامبر اسلام ص پیش از نبوت بر اثر رفتارهای اخلاق‌مدار خود به «محمد امین» معروف شده بودند (طبری، ۱۳۸۷: ۲۹۰/۲). این ویژگی موجب نفوذ کلام او در میان مردم شده بود، گرچه علاقه‌های مادی و قدرت‌طلبی مخالفت‌های سرسختانه‌ای را در مقابل رسالت ایشان به وجود آورد. نفوذ به معنای رخنه نیز می‌تواند در راستای اهداف مادی گرایانه یا خدامحور کاربرد داشته باشد (غلامحسینی، ۱۳۷۷: ۸۳).

1. Influence
2. Infiltration
3. Entryism

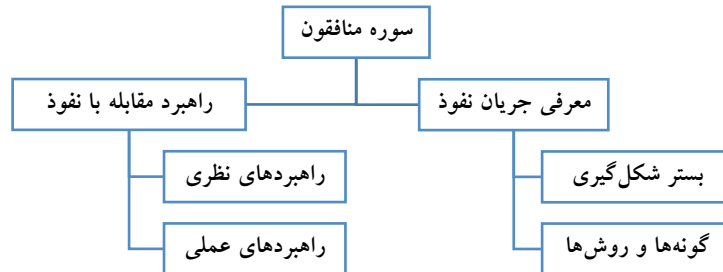
آنچه در این پژوهش بیشتر مورد بررسی قرار گرفته، نفوذ به هر دو معناست که به صورت منفی در جامعه اسلامی با اهداف دنیوی و قدرت طلبانه گروه‌های معاند اتفاق افتاده است. گاهی نفوذ به معنای تأثیر گذاری در خدمت نفوذ به معنای رخنه قرار می‌گیرد که به مواردی از آن اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ای که برای موضوع پژوهش در قرآن دنبال شد «منافق» است. برای ریشه «نفاق» دو معنای اصلی ذکر شده است. یکی به معنای انقطاع یک چیز و رفتن آن و دیگری به معنای مخفی کردن چیزی و چشم پوشی از آن است (ابن فارس ۱۴۰۴: ۴۵/۵). منافق کسی است که در ظاهر ایمان آورده است، اما در نهمان به جریان موجود باوری ندارد (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۲۳). یکی از شئون رسول خدا (ص) در قرآن جایگاه رهبری حکومت اسلامی است و بر اساس آیه هفتم سوره حشر همه جامعه باید در مسائل حکومتی و غیر آن از وی اطاعت کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۰۸/۲۳). منافقان گروهی از جامعه بودند که چنین رویکردی را نسبت به جایگاه ایشان نداشتند. بنابراین «منافقان» مصداق مخالفان سیاسی حکومت اسلامی هستند که فقط در ظاهر حاکمیت آن را پذیرفته‌اند.

۲. دورنمای محتوای سوره

مفسرانی که رویکرد ساختاری به قرآن دارند، معمولاً سوره منافقون را به دو سیاق کلی تقسیم کرده‌اند. سیاق اول شامل آیات یک تا هشت است و سیاق دوم از آیه نهم تا پایان سوره است. در سیاق نخست، که خطاب به رهبر جامعه دینی است، ویژگی‌های منافقان و راهکار برخورد با آنان بیان شده و در سیاق دوم که مخاطب آن جامعه ایمانی است، آنان را نسبت به این جریان آگاهی می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۹/۲۷۷-۲۹۱؛ صبحی، ۱۳۹۶: ۲/۲۸۴).

بررسی و تحلیل محتوای سوره مورد بحث نشان می‌دهد مباحث کلی سوره در دو سطح به شکل ذیل قابل رهگیری است:



نمودار ۱: مطالب موجود در سوره منافقون بر اساس تحلیل محتوای آن

میزان فراوانی پرداختن به هر یک از موارد فوق در لایه ظاهر آیات، نشان می‌دهد راهبرد مقابله با نفوذ سهم حدود ۷۰ درصدی را در سوره به خود اختصاص داده است:



نمودار ۲: فراوانی مطالب سوره منافقون

با توجه به این که بستر شکل‌گیری نفوذ از لوازم گزاره‌های مربوط به سوره فهمیده می‌شود، میزان فراوانی آن در نمودار ذکر نشده است. در ادامه با توجه به روش تحلیل محتوا به باز شناسی تفصیلی محتوای سوره اقدام می‌گردد.

۳. بستر شکل‌گیری نفوذ با توجه به سوره منافقون

بررسی عناصر لفظی و معنوی مربوط به فضای سخن سوره منافقون بستر نفوذ و شرایط جامعه اسلامی را نشان می‌دهد.

۳-۱. وجود حاکمیت دینی

در تمام جوامع بشری به شهادت تاریخ، نوعی از حکومت وجود داشته است و ضرورت آن توسط عقل و آیات قرآن نیز تأیید می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۹-۱۳). جامعه اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست.

بررسی فضای سوره نشان می‌دهد حاکمیت دینی با رهبری رسول خدا در مدینه شکل گرفت و بر اساس داده‌های قرآن اطاعت از وی به‌عنوان حاکم اسلامی از سوی جامعه ایمانی واجب دانسته شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۱۲۱). قراین وجود حاکمیت اسلامی در زمان نزول سوره عبارتند از:

۱. اجماعی بودن اینکه سوره منافقان مدنی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۳۷/۱۰). مدنی بودن نشان می‌دهد حاکمیت اسلامی شکل گرفته و دارای ساختار منسجمی بوده است. این بررسی نشان می‌دهد در این زمان جریان‌های معاند برنامه‌های متنوعی را جهت ساختار شکنی در حاکمیت و براندازی آن طراحی کرده بودند.
۲. قرینه دیگر که با تحلیل درون‌متنی سوره به‌دست می‌آید، روشن می‌سازد محتوای آیه هفتم این سوره بر این نکته تأکید دارد که منافقان به‌دنبال پراکنده کردن مردم از اطراف رهبر جامعه بوده‌اند. این مطلب بیانگر آن است که عده‌ای به ایشان ایمان آورده و نوعی همگرایی در جامعه ایمانی شکل گرفته است.
۳. در آیه هشتم نیز سخن از رجوع به مدینه به میان آمده است که نشان می‌دهد سوره مدنی است.
۴. از طرف دیگر این نکته منطقی است که پدیده نفاق در فضایی رشد می‌کند که در آن ارزش‌های دینی در سطح جامعه در حال توسعه باشند و گرنه آن‌چنان که در دو آیه

ابتدایی سوره دیده می شود، تو سل به قسم‌های دروغ از سوی منافقان برای پنهان کردن عقاید خود بدون وجه است. بنابراین این شواهد درون‌متنی و برون‌متنی، وقایع موجود در سوره مربوط به بعد از تشکیل حکومت اسلامی است.

۲-۳. وجود جریان‌های معاند در جامعه دینی

بررسی سوره منافقون نشان می‌دهد در جامعه اسلامی گروهی یا گروه‌هایی وجود داشته‌اند که با حاکمیت اسلامی همراهی نداشته و تلاش‌هایی را نیز برای ممانعت از رشد و استقرار آن انجام می‌دادند. این بررسی نشان می‌دهد دو دوره برای فعالیت این گروه یا گروه‌ها وجود داشته است. در دوره نخست آنان با شیوه‌های مختلف مانند ادعاهای دروغ سعی کرده‌اند مقاصد اصلی خود را پنهان کنند. اما بعد از اجرای دستور حذر در آیه چهارم و بیان رویگردانی آنان از بازگشت به سوی رسول خدا، هویت و خیانت‌های آنان برملا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۱/۱۹). در چنین شرایطی دور دوم فعالیت‌های براندازانه آنان آغاز می‌گردد که در بخش‌های بعدی بررسی خواهد شد.

۳-۳. وضعیت فرهنگی و اقتصادی جامعه

بررسی محتوایی سوره نشان‌دهنده وضعیت فرهنگی و اقتصادی جامعه ایمانی در زمان شکل‌گیری حاکمیت اسلامی در مدینه است. این بررسی نشان می‌دهد جامعه ایمانی در آن زمان دربرگیرنده دو سطح از زندگی یعنی توان‌مندان اقتصادی و اقشار کمتر برخوردار بوده است. از نظر فرهنگی نیز برخی افراد دچار چالش‌هایی بوده‌اند. مصداق فقرا در زمان نزول این آیات، مهاجران و مصداق اغنیاء، گروهی از انصار بوده‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۳۳/۷).

گروه دوم زمینه مناسبی را برای جریان نفوذ فراهم می‌آورد تا تلاش‌های این جریان برای تفرقه و ساختار شکنی اجتماعی نتیجه دهد. به دلیل این که خصوصیات بینشی و رفتاری برخی از آن‌ها به منافقان شباهت دارد (حجازی، ۱۴۱۳: ۶۸۱/۳). در آیه نهم سوره؛ که آغاز سیاق دوم سوره است، آمده: «یا ایها الذین آمنوا لا تلّهکم أموالکم ولا اولادکم عن ذکر اللّٰه»، واژه لّهو به چیزهایی مانند خواسته‌های نفسانی گفته می‌شود که انسان را به خود مشغول کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸۷/۴) در

ابتدای آیه آحاد جامعه ایمانی با عبارت «لَا تُلْهِكُمْ» از مشغول شدن به امور شخصی مانند اموال و فرزندان و همچنین فراموشی یاد خدا نهی شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۹۱/۱۹). تطبیق این جمله انشائی با نیازهای واقعی، بار دیگر به طبقه‌ای که دارای تمکن نسبی به لحاظ امکانات اقتصادی هستند، اشاره می‌کند، طبقه‌ای که خطر غلبه دیدگاه‌های مادی‌گرایانه آنان را تهدید می‌کند. این خصوصیت در افراد جریان نفوذ هم دیده می‌شود. زیرا با توجه به تعبیر «لا یفقهون» در آیه هفتم که به نظر می‌رسد توصیه یا راهبردی درون گروهی باشد، مشخص می‌گردد محاسبات و رویکرد کلان این افراد مادی‌گرایانه است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۲/۱۹). در واقع فرهنگ مادی‌گرایی در برخی طبقات اجتماعی آن روز وجود داشته است.

در این شرایط این امکان وجود دارد که این گروه از جامعه بر اثر مسائل شخصی از یاد خدا غافل شده و حمایت لازم را برای پیش‌برد اهداف جامعه اسلامی که در آیه دوم سوره با تعبیر «سبیل الله» آمده به کار نبرند؛ اهدافی مانند احقاق حق و اقامه عدل (مغنیه، ۱۴۰۰: ۱۱۳). بنابراین در برابر فعالیت‌های مخالفان علیه رهبر جامعه و حاکمیت اسلامی واکنش مناسب را نداشته باشند. محتوای آیات دهم و یازدهم سوره نشان می‌دهد فضای غفلت از امور معنوی در جامعه اسلامی تا جایی پیش رفته است که مردم مرگ را دور پنداشته و آرمان‌ها و اهداف دنیوی مرتبط با آخرت‌گرایی را؛ که به خاطر تحقق آن اسلام را پذیرفته، هجرت کرده و برای آن جنگیده بودند، به فراموشی سپرده‌اند. در این فضای اجتماعی شرایط فعالیت جریان نفوذ فراهم شده است.

۴. گونه‌های نفوذ از نگاه سوره

قبل از تحلیل سوره توضیح این نکته ضروری است که در نبردی سیاسی برای به دست گرفتن قدرت توسط گروه مهاجم؛ چه داخلی باشد یا خارجی، سه مرحله دنبال می‌گردد:

۱. **رخنه و نفوذ:** در این حرکت، گروه‌های سیاسی و اجتماعی مهاجم برای رسیدن به هدف نهایی در ضمن پنهان کردن اهداف خود، در کشور هدف، نفوذ می‌کنند. این نوع نفوذ شامل جاسوسی نیز می‌شود (بلک‌ستاک^۱، ۱۹۶۴: ۴۴).
۲. **تجزیه اجباری:** به هم ریختن ساختار سیاسی و اجتماعی کشور هدف تا جایی که

1. Blackstock

انسجام ملی متلاشی شود به گونه‌ای که دولت نتواند در برابر مداخلات بعدی مقاومت کند. متجاوز ممکن است از تنش‌های داخلی اجتناب‌ناپذیر بین گروه‌های سیاسی، طبقاتی، قومی، مذهبی، نژادی و سایر گروه‌ها بهره‌برداری کند (ایبید: ۵۰).

۳. **براندازی:** مرحله سوم براندازی حاکمیت موجود است. براندازی عبارت است از تضعیف یا جدا کردن گروه‌های سیاسی و اجتماعی وفادار به حاکمیت، و همسو کردن آن‌ها با اهداف سیاسی یا عقیدتی متجاوز (ایبید: ۵۶).

با این توضیح باید گفت تحلیل سوره نشان می‌دهد جریان مخالف حاکمیت کم‌وبیش با تحرکات خود در قالب انواع نفوذ، به دنبال تحقق مراحل سه‌گانه فوق بوده‌اند. در ادامه بر اساس تحلیل سوره به انواع نفوذ اشاره می‌گردد:

۱-۴. نفوذ سیاسی

نفوذ یا رخنه سیاسی سه مؤلفه اصلی دارد:

- شناسایی حامیان اهداف خود در گروه میزبان یا تحریک آنان به نفع مقاصد خود
- تحریک و بهره‌برداری از اختلافات موجود در آن گروه برای اهداف سیاسی خود و دستیابی به درجه‌ای از قدرت اجرایی
- اعمال اثر در ماهیت و جهت‌گیری‌های سیاسی گروهی که نفوذ در آن صورت گرفته است (و بر^۲، ۲۰۰۹: ۳۳-۳۴).

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ۳/۲۳ در صد از جملات کل سوره به بیان نفوذ سیاسی اختصاص یافته است. کسانی که در این سوره با عنوان «المنافقون» از آنان یاد شده است، به ظاهر خود را پایبند و ملتزم به جایگاه رسول اکرم (ص) به عنوان رهبر حاکمیت، نشان می‌دهند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۳۱/۷) و برای اثبات آن، باورهای عمومی را تکرار می‌کنند؛ «قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (المنافقون: ۱) و به این وسیله خود را در صف جامعه ایمانی قرار می‌دهند. جریان نفوذ با این تبلیغات سعی می‌کنند افکار عمومی را نسبت به

1. ibid
2. Webber

خودی‌بودنشان مطمئن سازند. طبق بیان برخی مفسران مهم‌ترین انگیزه این گروه رسیدن به رأس حاکمیت و به‌دست آوردن قدرت است (مدرسی، ۱۳۷۷: ۴۴۲/۱۵).

با توجه به تعبیر «إِذَا جَاءَكَ» در ابتدای سوره، معلوم می‌گردد این افراد از اطرافیان پیامبر (ص) هستند و با ایشان مراوده دارند و حتی امکان دارد درجه‌ای از قدرت اجرایی را در دست گرفته باشند؛ اما با توجه به تعبیر «هُمُ الْعَدُوُّ» در آیه چهارم، بیشترین دشمنی را با ایشان دارند.

مخالف بودن آنان با حاکمیت علنی نیست. بنابراین برای جلوگیری از شناخته شدن و آسیب دیدن، از ادعاهای دروغ به‌عنوان پوشش استفاده می‌کنند؛ «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» (المنافقون: ۲) ترکیب «کان» و فعل مضارع در عبارت «إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» در انتهای آیه دوم، معنای استمرار دارد، بنابراین می‌توان گفت فعالیت‌های مخفیانه مخالفان راهبردی طولانی‌مدت بوده است. مخفی بودن هویت اصلی آنان در نظر رهبری جامعه به رغم نزدیکی آن‌ها به مرکز حکومت در دیگر سوره‌های قرآن با تصریح بیشتری بیان شده است؛ «وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ الْإِثْقَابِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ» (التوبة: ۱۰۱)

افزایش نفوذ سیاسی، فرصت تأثیرگذاری در تصمیمات مهم حاکمیتی و به‌دست گرفتن قدرت

در آینده را فراهم می‌کند. ۴-۲. نفوذ اجتماعی

نفوذ یا تأثیر اجتماعی شامل فعالیت‌های عمدی و غیرعمدی برای تغییر عقاید، نگرش‌ها یا رفتارهای اشخاص دیگر است و بر خلاف اقناع کردن لازم نیست طرف تأثیرپذیر در مورد آن آگاهی داشته باشد (گس^۱، ۲۰۱۵: ۳۴۹).

بررسی و تحلیل سوره نشان می‌دهد این‌گونه از نفوذ بیشترین فراوانی (۵۶ درصد) را در داده‌های سوره نسبت به دیگر موارد نفوذ دارد و ۱۶/۱۳ در صد از کل سوره را به خود اختصاص داده است که نشان از اهمیت و جایگاه این‌گونه از نفوذ در فرایند براندازی حاکمیت است. در این سوره، مخالفان دارای سوابق نیکی هستند و در سال‌های گذشته با ایمان خود یاری‌کننده رهبر دینی بوده‌اند. این نکته از مطابقت آیه سوم سوره با واقع قابل استنباط است؛ «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا...» (المنافقون: ۳) حرف عطف «ثم» بیانگر تأخیر مدخول آن نسبت به اتفاق قبل از آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۶). بنابراین کفر مخفی (پذیرفتن حاکمیت اسلامی) مخالفان حکومت، بعد از

1. Gass

یک دوره زمانی اتفاق افتاده است. این فاصله زمانی برای افراد خوش سابقه می تواند زمینه ساز نفوذ بیشتر در بدنه حاکمیت، یارگیری از افراد مؤثر، موجه نشان دادن خود و موارد دیگر باشد.

مؤید این خصوصیت توصیف دیگری است که درباره این افراد در آیه چهار این سوره دیده می شود؛ «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ» (المنافقون: ۴) این آیه به دو نکته اشاره دارد: یکی اینکه این خطاب مخصوص نبی اکرم (ص) نیست بلکه خطاب عام است دیگر اینکه ظاهر آنان و صحبت کردن فصیح و بلیغشان به شکلی است که همه را مجذوب آنها می کند (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۸۰/۱۹). چنین حالتی در ادامه آیه به «خُشِبَ مُسْنَدَةٌ» تشبیه شده است. «مُسْنَدَةٌ» به معنای تکیه داده شده است (قرشی، ۱۳۷۵: ۳۴۱/۳). در ادامه خداوند برای نشان دادن ماهیت اصلی این افراد آنها را به چوب‌هایی تشبیه کرده است که به جایی مثل دیوار تکیه داده شده‌اند. برخی در مورد وجه شبه این سخن بر این باورند که این چوب‌ها در ظاهر به درختی می‌مانند که رشد می‌کند و ثمر می‌دهد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۴۷/۳۰). این توصیف تداعی کننده خصوصیات شجره خبیثه در آیه ۲۶ سوره ابراهیم است که در زمین ریشه ندارد و به خاطر همین ثبات و قرار ندارد. بنابراین برای کسی فایده و نفعی ندارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸۱/۶).

فعالیت دیگر این جریان کارشکنی است: «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (المنافقون: ۸) ماده «صدد» با حرف «عن» که استعمال شود به معنای منع کسی از چیزی است (جوهری، ۱۳۷۶: ۴۹۵/۲) و در اصل مخالف «ورود» است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۰۶/۶). در این آیه «مفعول به» فعل «صدوا» ذکر نشده است. یعنی آنها در تلاش هستند تا از توجه و تصمیم توده مردم برای دنبال کردن راه خدا و پیامبر (ص) به عنوان رهبر دینی مانع شوند. این رفتار در آیه ۶۷ سوره توبه چنین گزارش شده است: «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» مانع ورود افراد به عملکردهای دین محور همان امر به منکر و نهی از معروف است. از تطبیق چنین مفهومی با واقع بر اساس روش فهم فضای سخن، می توان گفت این افراد کسانی هستند که در سطح جامعه تأثیرگذار هستند و زمینه لازم برای چنین کارهایی را دارند، وگرنه افراد معمولی در سطح مردم عادی گرچه نفاق هم داشته باشند، توانایی اثرگذاری در سطح توده‌ها را ندارند.

از طرف دیگر مخالفت آنان با حاکمیت از موضع بالاست و حاضر نیستند در صورت آشکار شدن مقاصد سوء خود و تنزل از جایگاه قدرتمندانه سابقشان^۱، از فرصتهایی که رهبر جامعه برای جبران عملکرد فراهم می‌کند، استفاده کنند بلکه واکنش آن‌ها در چنین موقعیتی روی گردانی و استکبار است (المنافقون: ۵).

داشتن نفوذ اجتماعی شرایطی را فراهم می‌سازد تا گروه‌های تأثیرپذیر جامعه با اهداف جریان نفوذ همراه شوند، به خصوص اگر بخش‌هایی از جامعه نسبت به عقاید بنیادین و وظایف اجتماعی خود بی‌توجه باشند.

۳-۴. نفوذ اقتصادی

نفوذ اقتصادی مکانیزم‌هایی را ایجاد می‌کند که پول را به دسترسی و نفوذ سیاسی تبدیل شود و در نتیجه کمک می‌کند تا افراد و گروه‌های نفوذی به اهداف خود برسند (آنگاریتا^۲، ۲۰۱۴: ۲۱۶). یکی از راهبردهای براندازی، استفاده از فشار اقتصادی است به طوری که بر اثر کمبود منابع، حکومت از تأمین نیازمندی‌های مردم ناتوان گردد و بر اثر نا کارآمد نشان دادن حاکمیت، نافرمانی‌های مدنی صورت گیرد. نمونه‌هایی از به کارگیری این روش در دوران معاصر وجود دارد (کورشی^۳، ۲۰۰۹: ۱۵).

رخنه مخالفان در نهادهای حاکمیتی می‌تواند با ایجاد اشتباه در مسئولین برای تخصیص منابع یا به سرقت بردن آن‌ها، این زمینه را بیشتر فراهم کند (روسنا، ۲۰۰۷: ۷).

با توجه به تحلیل داده‌ها از کل محتوای سوره ۶/۴۵ درصد جملات به نفوذ اقتصادی اختصاص یافته است. مخالفان حکومت در سوره منافقون دارای نفوذ و قدرت اقتصادی هستند و یک جنگ اقتصادی علیه حاکمیت به راه انداخته‌اند (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۳۴/۲۲). در آیه هفت این سوره درباره یکی از توطئه‌های آنان علیه مردم و حاکمیت آمده است: «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا» (المنافقون: ۷). ماده «نفق» یعنی گذاشتن و تمام شدن؛ انفاق می‌تواند در مال یا غیر آن هم باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹). بنابراین مفهوم مستفاد از آیه این است که

۱. در این رابطه در بخش راهبرد نفوذ توضیح بیشتری خواهد آمد.

2. Angarita
3. Qureshi

این افراد قصد دارند به منظور متفرق کردن حامیان و اطرافیان پیامبر ص، آنان را از همه امکاناتی که در اختیار دارند محروم کنند. این آیه نشان می‌دهد این افراد در فرایند نفوذ اقتصادی دارای راهبرد مشخصی هستند. البته بعید نیست از آیه چنین برداشت شود که این گروه در دو سطح ستادی و عملیاتی (صفی) فعالیت داشته باشند؛ مطلبی که از آیه چهارده سوره بقره نیز استفاده می‌شود. در این آیه مراد از شیاطین بزرگان منافقان هستند که صغارشان در مقاطعی به آنان اعلام وفاداری می‌کنند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰۹/۲). احتمال دیگری نیز در مصداق‌شناسی این افراد وجود دارد. طبق این احتمال، مصداق شیاطین بزرگانی از کفار یا یهود باشند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ۵۶/۱؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۴۸/۱). که افراد کم‌مرتبه‌تر اجتماع ایمانی به آن‌ها در یک فرایند ارتباطی وابسته شده‌اند و به مرور یک جریان سیاسی را علیه حاکمیت شکل داده‌اند. برخی از افراد این جریان با تظاهر به اسلام حتی کمک‌هایی نیز به فقراء جامعه داشته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲۲۰/۲۸). این مساعدت‌ها می‌تواند در قالب مؤسسات خیریه انجام پذیرد.

در نهایت می‌توان گفت نفوذ اقتصادی زمینه را برای از بین بردن انسجام اجتماعی حول محور اصلی وحدت که همان رهبر دینی است، فراهم می‌کند. در این مسیر ممکن است نافرمانی‌های مدنی و شورش‌هایی هم صورت بگیرد که در بخش بعد اشاراتی به آن شده است.

۴-۴. نفوذ امنیتی

یکی از انواع نفوذ، رخنه در ارکان حکومتی به خصوص نهادهای امنیتی است. برای این نوع نفوذ پنج فایده ذکر شده است:

- جمع‌آوری اطلاعات ارزشمند از توانایی‌ها و ضعف‌های حاکمیت،
- دادن اطلاعات نادرست به حاکمان برای ایجاد تصمیمات نادرست و عدم تخصیص درست منابع،
- سرقت تسلیحات و بودجه و منابع دیگر،
- شناسایی افراد باج‌گیر و رشوه‌گیر
- و در نهایت انجام اعمال تروریستی و ایجاد شورش به منظور کاهش مشروعیت حکومت (روسنا، ۲۰۰۷: ۶-۷).

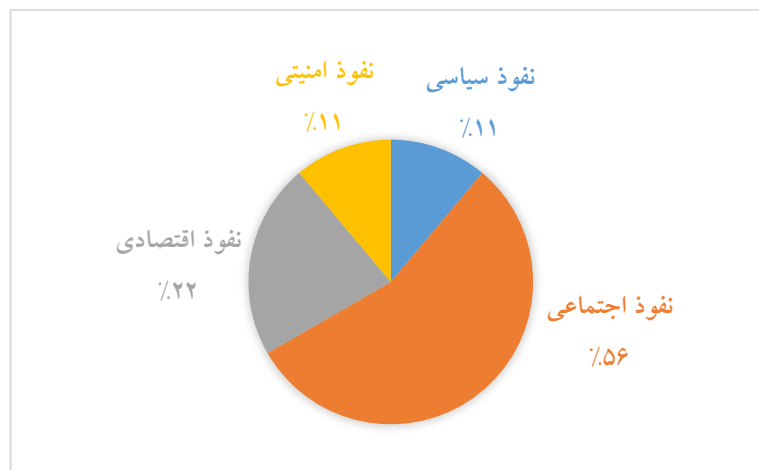
جملات مرتبط با نفوذ امنیتی ۳/۲۳ درصد از کل سوره و ۱۱ درصد از میان انواع نفوذ را به خود اختصاص داده است. با توجه به قراین درون‌متنی سوره منافقون که با تحلیل آیات این سوره همراه است به‌دست می‌آید افراد نفوذی دنبال براندازی حکومت با شیوه‌های گوناگون شبیه به کودتا بوده‌اند؛ «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (المنافقون: ۸). به نظر می‌رسد جلسات این گروه در بیرون شهر و به دور از چشم مأموران حکومتی انجام می‌گرفته است. توضیح اینکه مدینه در قرآن گاهی به معنای مطلق شهر است، مانند کاربرد آن در آیه سی‌ام سوره یوسف و گاهی به معنای مدینه‌الرسول است. در آیه هشتم سوره منافقون به همین معناست. (قرشی، ۱۳۷۱: ۲۴۴/۶) مدینه به‌عنوان مرکز اعمال قدرت شناخته می‌شود. در این باره لازم بود افراد جامعه نسبت به دستورات حضرت رسول (ص) اطاعت‌پذیری کامل داشته باشند، اما آیه مورد بحث نشان می‌دهد افراد نفوذی به دنبال زمینه‌سازی شکل‌گیری نارضایتی‌های مدنی بوده‌اند. این نکته را آیات دیگری مانند آیه ۱۲۰ سوره توبه نیز گزارش داده است: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ» (التوبة: ۱۲۰). بعید نیست تعبیر «وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ» اشاره به افرادی باشد که در آیه مورد بحث خارج از شهر حضور دارند و افرادی از شهر به آن‌ها ملحق شده‌اند تا رایزنی‌هایی را برای چگونگی اقدامات خود انجام دهند. گرچه تفاسیر موجود درباره آیه هشتم سوره منافقون علت خروج از شهر را شرکت در جنگ دانسته‌اند، اما این احتمال با توجه به مباحث کلی سوره، قرین شواهد مورد قبول نیست. بنابراین با توجه به قرینه برون‌متنی ارائه شده احتمال مورد نظر این نوشتار بیشتر پذیرفتنی است. همچنین تأکید به اجرا کردن نقشه خود بعد از ورود به شهر نشان از آن دارد که این جریان توانسته بودند در شهر پایگاه قابل اعتمادی را در بین مردم به‌دست آورند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۶۲/۱۵). بنابراین آن‌ها از گذشته فعالیت خود را شروع کرده بودند.

ماده «عزّ» در اصل به شدت و قوت و هر آنچه به آن کمک کند از غلبه و قهر دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸/۴) و این معنا مخالف «ذلّ» است. عزت می‌تواند امری واقعی باشد یا فقط به صورت ظاهری و به سبب عوارضی مثل مال، عنوان، ادعا، تکلف و انتساب باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۱۴/۸).

در آیه هشتم سوره که دو بار این ماده تکرار شده، به تلاشی برای تصاحب قدرت اشاره شده است. اما خود جریان نفوذ به تنهایی به عنوان عنصر تأثیرگذار برای جابجایی قدرت کافی نبوده، بلکه عوامل دیگری هم در آن نقش دارند. منظور از «الْأَعَزُّ» در عبارت «لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» به صراحت در این آیه بیان نشده است. بیشتر مفسران معتقدند مراد از آن منافقان هستند که خودشان را مقتدرتر از جریان حاکم می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۲/۱۹، طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۴/۱۰ و آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۱۰/۱۴). اما توجه به دو آیه از سوره نساء نشان می‌دهد جریان نفوذ برای رسیدن به اهداف خود امید زیادی به حمایت دشمنان خارجی دارند. «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (النساء: ۱۳۸-۱۳۹). آنان به دشمنان جامعه اسلامی به خصوص یهودیان تمایل دارند و به دنبال کسب عزت و قدرت با کمک آنان هستند، و با توجه به آیات ۱۴۰ و ۱۴۱ سوره نساء در به سخره گرفتن ارزش‌های اسلامی با آن‌ها هم صدا می‌شوند و در میانه درگیری‌های میان جهان اسلام و کفر منتظر فرصت مناسب برای به دست آوردن منافع مادی خود هستند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۷۷/۱-۵۷۸). به این نکته در آیات چهارده تا شانزده سوره مجادله نیز اشاره شده است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۸۱/۱۵).

فعالیت جریان نفوذ به صورت تشکیلاتی است. تعبیر «هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ» در آیه هفتم یعنی برخی از آنان با برخی دیگر صحبت می‌کنند (طوسی، بی تا: ۱۴/۱۰). به طوری که مجامعی برای گفتگوهای خود دارند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۲۰/۲۸). این بیان تداعی‌گر وجود یک اتاق فکر است. به خصوص این که مضمون این گفتگو توطئه‌چینی برای ایجاد فشار اقتصادی به حاکمیت اسلامی است. طبیعی است که این مطالب دور از محافل عمومی مطرح شوند. در آیه هشتم سوره نیز عبارت «يَقُولُونَ كَثِيرٌ...» در همین راستا قابل تفسیر است.

با نفوذ امنیتی اقدامات براندازانه از نوع سخت مانند نافرمانی‌های مدنی و خرابکاری‌ها، بیشتر در دسترس خواهد بود. همان گونه که در آیه «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفُسَادَ» (البقرة: ۲۰۵) دیده می‌شود، بر اساس یک احتمال برخی نفوذی‌ها وقتی قدرت و ولایتی به دست بیاورند شروع به فساد می‌کنند و همه چیز را نابود می‌کنند و حتی ممکن است کشتار به راه بیندازند (نظام الاعرج، ۱۴۱۶: ۵۷۶/۱).



نمودار ۳ (منبع همین مقاله): فراوانی گونه‌ها و روش‌های نفوذ در سوره منافقون

۵. هندسه تهدیدات جریان نفوذ

مجموع بندهای فوق نشان می‌دهد اقدامات ایجابی جریان نفوذ شامل این موارد است:

- نزدیک شدن به رأس حاکمیت به هر شیوه ممکن (المنافقون: ۱)
- ابراز مکرر و تبلیغ وسیع وفاداری و علقه به ارزش‌های مورد قبول جامعه و سوء استفاده از سوابق خوب خود برای کسب محبوبیت در بدنه اجتماع (المنافقون: ۲-۳)
- پنهان کردن برنامه‌های خود برای براندازی و به‌دست گرفتن قدرت با دروغ‌های مکرر و بیان سخنانی که افکار عمومی را از آگاهی به‌وجود چنین اندیشه‌ای در جامعه دور نگه می‌دارد (المنافقون: ۲).
- تشکیل اتاق‌های فکر برای هماهنگی اقدامات براندازانه (المنافقون: ۸-۷)
- به‌دست گرفتن جریان‌های اقتصادی (المنافقون: ۷)
- جلب حمایت قدرت‌های خارجی با ایجاد رابطه دوستانه با دشمنان حکومت (المنافقون: ۸ و النساء: ۱۳۹)
- ایجاد فشار اقتصادی به اقشار آسیب‌پذیر با هدف ایجاد نارضایتی مدنی (المنافقون: ۸)

(۷)

از طرف دیگر زمینه‌های تقویت‌کننده جریان نفوذ مشتمل بر این موارد است:

- خوش‌بینی ساده‌اندیشانه مردم با استناد به سوابق خوب افراد نفوذی و وجود مرادوات آنان با رهبر دینی (المنافقون: ۳)
- وجود طبقه محروم و کمتر برخوردار در جامعه (المنافقون: ۷ و ۱۰)
- تمرکز اقشار مختلف به امور شخصی و غفلت از وظایف دینی و اجتماعی (المنافقون: ۹)
- ضعیف شدن فرهنگ آخرت‌گرایی به‌عنوان یکی از اعتقادات پیش‌ران جامعه دینی (المنافقون: ۱۱)
- فرصت‌سوزی و عدم مشارکت مؤثر و به موقع در خدمات اجتماعی (المنافقون: ۱۰-۱۱)

با توجه به آنچه گفته شد الگوی اقدامات جریان نفوذ به این شکل است:



نمودار ۴ (متبع همین مقاله): مدل نفوذ در حاکمیت دینی بر پایه تحلیل ساختاری سوره منافقون

۶. راهبرد مقابله با نفوذ

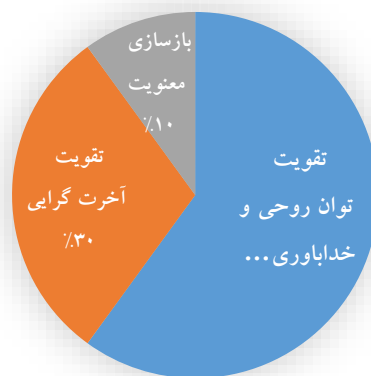
همانطور که بیان شد بررسی قرآین درون‌متنی و برون‌متنی سوره نشان می‌دهد موضوع اصلی این سوره در اختصاص‌یابی آن به موضوع نفاق بیان عملکرد خاصی از این جریان (نفوذ) و راهبرد مقابله حکومت اسلامی با این عملکرد است. بنابراین دیگر فعالیت‌های احتمالی این جریان در سوره‌های دیگر که متناسب با موضوعات محوری آن سوره‌هاست بازتاب یافته است. با این توضیح باید گفت بعد از بررسی ابعاد و گونه‌های نفوذ، در ادامه به بررسی راهبردهای ارائه شده در سوره منافقون برای مقابله با آن می‌پردازیم.

■ مسأله نفوذ در حکومت و راهبرد مقابله با آن بر اساس تحلیل محتوای سوره منافقون

تحلیل درون‌متنی این سوره، نشان می‌دهد راهبرد مقابله با شرایط ذکر شده در دو دسته اقدامات نظری و اقدامات عملی قابل ارائه است. این دو دسته اقدامات در هر دو سیاق سوره منافقون دیده می‌شود. در سیاق اول خطابات سوره متوجه رسول اکرم (ص) و سطح حاکمیت است اما در سیاق دوم جامعه مؤمنین مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۶-۱. اقدامات نظری

بخشی از راهبردهای ارائه شده در سوره، از نوع اقدامات نظری در حوزه فرهنگ عمومی و فرهنگ خواص است. این نوع راهبرد از کل محتوای سوره ۳۲/۲۶ درصد را به خود اختصاص داده است. نمودار زیر میزان فراوانی هر یک از این اقدامات را نشان می‌دهد:



نمودار ۳ (منبع همین مقاله): میزان فراوانی راهبردهای نظری در سوره منافقون

۶-۱-۱. تقویت توان روحی، خداپاوری و الزامات آن

رهبر جامعه دینی به‌طور خاص و بدنه وفادار به حاکمیت به‌طور عام، نباید در مقابل فشارهای اقتصادی، امنیتی و سیاسی جریان نفوذ به خود تزلزلی راه دهند. به همین منظور لازم است امور فرامادی را در محاسبات خود به حساب آورند.

گرچه جریان نفوذ با ایجاد تکانه‌های اقتصادی به‌دنبال فروپاشی و پراکندگی جامعه ایمانی است ولی حاکم اسلامی باید توجه داشته باشد که «وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (المنافقون: ۷). این عبارت در جواب «لَا تُنْفِقُوا» آمده است. خدا اگر بخواهد فقرای جامعه ایمانی را بی‌نیاز

می‌کند، ولی توجه به این نکته که گاهی نیاز می‌تواند زمینه‌های رشد صفات اخلاقی مانند صبر را در افراد به‌دنبال داشته باشد باعث می‌گردد جامعه ایمانی به بلوغ برسد که همه بی‌نیازی‌ها به امور مادی تعلق ندارد بلکه برخی از جنبه‌های رشد انسان که از سوی خدای غنی به وی اعطا می‌گردد بر اثر برخی فشارهای اجتماعی شکل می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۲/۱۹). تقویت چنین اندیشه‌ای که همه بی‌نیازی‌ها به امور مادی بر نمی‌گردد، می‌تواند جامعه ایمانی را نسبت به نقشه جریان نفوذ مصون نگه دارد.

خدا در برابر فشارهای سیاسی و مشکلات امنیتی جریان نفوذ حامی جریان پیرو خود است و در نهایت پیروزی از آن‌ان خواهد بود. بنابراین رهبر جامعه و بدنه مردمی او با یادآوری آیات الهی باید امیدوارانه به راه خود ادامه دهند. رهبری دینی برای مقابله با جریان نفوذ لازم است از ظرفیت‌های ایمانی جامعه بهره‌گیرند و تلاش نمایند فرهنگ عمومی جامعه را بر اساس چنین اندیشه‌ای تقویت نمایند.

تحلیل محتوای آیات سوره منافقون نشان می‌دهد، تکرار لفظ جلاله؛ به‌عنوان یکی از قراین درون‌متنی سوره، در قریب به اتفاق آیات این سوره که به چهارده عدد می‌رسد، مخاطب آن را در تمام مناسبات، متوجه خدا می‌کند. به‌عنوان مثال در آیه هشتم بیان می‌شود که عزت و پیروزی از آن خدا و منسوبان به خدا یعنی رسول خدا (ص) و مؤمنین به او است؛ «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ».

در مقابل جریان نفوذ نگاه تک بعدی و مادی‌گرایانه دارند و از نگاه عمیق که در واقع ناظر به شناخت اسباب پنهان هستی است بی‌بهره هستند «وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَقْفَهُونَ» و «وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (المنافقون: ۷ و ۸). این ویژگی نشان می‌دهد آنچه باعث جذب برخی افراد جامعه ایمانی به جریان نفوذ می‌گردد، سست شدن فرهنگ توحیدی و آشنایی جامعه با لوازم چنین فرهنگی و نهادینه شدن فرهنگ مادی است. این راهبرد از کل سوره ۱۹/۳۵ در صد را به خود اختصاص داده است تا بیان‌کننده جایگاه ویژه آن در میان راهبردهای مقابله باشد.

۲-۱-۶. بازسازی معنویت و احیای ارزش‌های اصیل اسلامی در سطح جامعه

اولین دستوری که در ابتدای سیاق دوم و آیه نهم دیده می‌شود، عبارت «لَا تُؤْتِكُمْ» است. «لا» در این آیه لای نهی غایب است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۶۰/۲۸). فعل این عبارت از ریشه «لَهُو» به معنای

مشغولیتی است که انسان را از کارهای مهم باز می‌دارد (راغب، ۱۴۱۲: ۷۴۸). در این آیه مؤمنان جامعه به خاطر مشغول شدن به اموال و اولاد از غفلت در امور مهم مانند یاری حاکم اسلامی و تقویت نظام سیاسی اسلام در برابر توطئه‌های جریان نفوذ نهدی می‌شوند. آنان نباید تنها به امور شخصی خود مشغول شوند و از «ذکر الله» بازمانند. این آیه نشان می‌دهد آنچه می‌تواند جامعه ایمانی و حاکمیت اسلامی را از خطر جریان نفوذ نجات دهد توجه به خداوند و شناخت صحیح از لوازم چنین شناختی است. دیگر آیات قرآن نیز بر این نکته تأکید دارند که آنچه جامعه انسانی را به نابودی می‌کشاند فراموشی خداوند و ارزش‌های معرفتی و رفتاری متناسب با این شناخت است (توبه: ۶۷). از لوازم چنین شناختی آگاهی از ضرورت حاکمیت اسلامی در جامعه است. این امر با تقویت نظام الهی و برقراری ارتباط وثیق میان مردم با رهبری نظام تحقق می‌یابد. بنابراین یک راهبرد اساسی جامعه ایمانی، تقویت ارتباط عمیق بین عموم مردم و رهبری جامعه و همچنین زنده کردن ارزش‌هایی است که به خاطر آن سختی‌های زیادی مانند هجرت، جنگ، فقر و غیره مانند هجرت، جنگ، فقر و غیره را جهت تشکیل حکومت اسلامی تحمل کرده بودند. به عنوان مثال دیدارهای مستقیم رهبر دینی با افراد جامعه ایمانی در راستای چنین راهبردی است.

تقویت این فرهنگ باعث می‌گردد جامعه به این رشد سیاسی برسند که در تقابل میان امور شخصی و امور حاکمیتی آنچه موجب خسران و از دست دادن هر آنچه دارند می‌گردد کنار گذاشتن تقویت پایه‌های نظام سیاسی است و اولویت بخشیدن به مسائل شخصی و جزئی است. ذیل آیه نهم جامعه ایمانی را به این نکته اساسی آگاهی می‌بخشد «فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (المنافقون: ۹). خسارت در قرآن به معنای از دست رفتن سرمایه است و اگر در مورد جامعه اسلامی به کار رود، منظور از آن سرمایه‌های دنیوی نیز خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۳۷۰). بنابراین کوتاهی در حمایت از حاکمیت دینی موجب از دست رفتن سرمایه‌های مادی مردم نیز خواهد شد. نمونه بارز این اتفاق، عملی شدن یکی از نقشه‌های جریان نفوذ در راستای اخراج افراد با ایمان از مرکز حکومت و ذلیل کردن آنان باشد «لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (المنافقون: ۸).

تقویت چنین روحیه‌ای مستلزم داشتن برنامه‌های دقیق و فعالیت فرهنگی گسترده در سطح جامعه با به کارگیری و سائل متناسب آن از جمله رسانه‌های مؤثر است تا آگاهی‌های لازم به افراد داده شود.

۳-۱-۶. تقویت آخرت‌گرایی و توجه دادن به الزامات آن

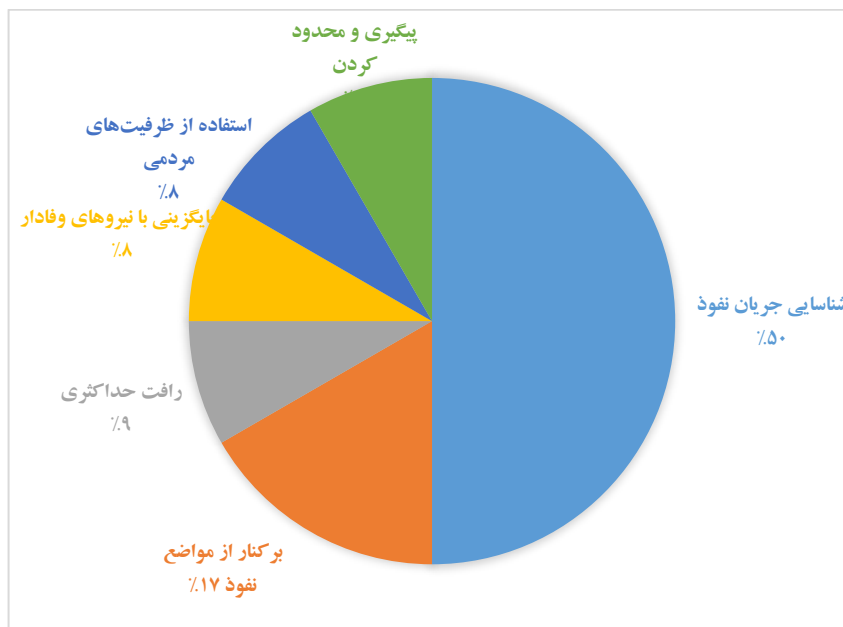
یکی از تفاوت‌های اصلی فرهنگ توحیدی و فرهنگ غیرتوحیدی چگونگی توجه آن‌ها به موضوع معاد است که از میان کل داده‌های این سوره ۹/۶۸ درصد به آن اختصاص یافته است. ایمان به معاد به انسان در برابر شدائد نیرو می‌بخشد و ضامن اجرای تمام قوانین الهی، و انگیزه اصلی تهذیب نفوس، و احقاق حقوق، و عمل به تکالیف، و ایثار شهیدان، و فداکاری فداکاران است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۷/۵-۱۸).

در آیه دهم آرزوی افرادی را بیان می‌کند که از فرصت حمایت مالی کردن حکومت اسلامی باز مانده‌اند و دچار فرصت‌سوزی شده‌اند. آن آرزو این است که دوباره فرصت جبران پیدا کنند. خداوند در آیه یازدهم ضمن اشاره به چنین آسیبی با قاطعیت بیان می‌دارد که چنانچه این اتفاق برای جامعه بیفتد امکان جبران وجود نخواهد داشت «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (منافقون: ۱۱).

راهبرد متناسب با این آموزه‌ها، گسترش فرهنگ معادباوری در سطح جامعه است. این مهم را می‌توان با تبلیغ ارزش‌هایی چون ایثار و شهادت و همچنین فعالیت‌هایی مثل خدمات اجتماعی و عام‌المنفعه نهادینه کرد.

۶-۲. راهبردهای عملی

بخش دیگری از راهبردهای مقابله با جریان نفوذ به‌طور عملی است که از کل سوره ۳۸/۷۱ درصد را به خود اختصاص داده است. عمده آن در سیاق اول سوره مطرح شده است که لازم است در سطح حاکمیت اجرا شود. این راهبردها و میزان فراوانی آن‌ها که به شش مورد می‌رسد در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۴ (منبع همین مقاله): میزان فراوانی انواع راهبردهای عملی مقابله با نفوذ

۱-۲-۶. شناسایی جریان نفوذ با توجه به ویژگی‌های آن‌ها

در تعدادی از آیات به خصوص آیات ابتدایی سوره منافقون ویژگی‌های رفتاری، روان‌شناختی و اقدامات جریان نفوذ برای رسول خدا (ص) به‌عنوان رهبر جامعه دینی بیان می‌شود. ظاهر حدود ۵۰ درصد عبارات مربوط به راهبردهای مقابله با نفوذ که ۱۹/۳۵ درصد کل جملات بررسی شده در سوره را تشکیل می‌دهد به این مطلب مربوط است. این امر نشان از اهمیت چنین عملکردی از سوی حاکمیت دینی دارد. این ویژگی‌ها به شناسایی دقیق جریان نفوذ کمک می‌کند. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱-۲-۱-۱. ویژگی‌های رفتاری

۱ استفاده ابزاری از مقدسات: اولین ویژگی آنان این است که از مقدسات استفاده ابزاری می‌کنند. آنان به زبان ادعای پایبندی به حکومت دارند ولی در عمل چنین نیستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۹/۵۱-۵۲).

مانع تراشی نسبت به اجرای برنامه‌های حاکمیت: ویژگی دیگر آنان جلوگیری از تحقق برنامه‌های حکومت اسلامی است؛ «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (المنافقون: ۲). ترکیب «سبیل الله» ۶۵ بار در قرآن تکرار شده است.^۱ فقهای اهل سنت این مفهوم را ناظر به رزمندگان میدان نبرد می‌دانند، ولی از نظر فقهای امامیه سبیل الله مفهومی گسترده‌تر دارد و علاوه بر آن شامل همه مصالح عمومی مانند ساخت مساجد، بیمارستان‌ها و مدارس نیز می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۱: ۱۸۰/۱). بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به آیه دوم سوره منافقون، یکی از ویژگی‌های این جریان کارشکنی در امور گوناگون است.

۲-۱-۲-۶. ویژگی‌های روانی

ویژگی روانی آنان ترس زیاد است. به همین خاطر از قسم‌های دروغ برای در امان ماندن از هر گزند استفاده می‌کنند؛ اَتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً (المنافقون: ۲) و رفتاری محتاطانه دارند؛ هر اعتراضی را در سطح جامعه علیه خود تلقی می‌کنند؛ يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِم (المنافقون: ۴). این توصیف در سوره‌های دیگر قرآن هم دیده می‌شود. طبری ذیل آیه آیه ۱۹ سوره بقره می‌آورد که یکی از صفات منافقان هلع، ضعف قلب و کراهت از مرگ است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۲/۱). یا در جای دیگر آمده: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ» (التوبة: ۶۴).

۳-۱-۲-۶. ویژگی‌های شناختی

ویژگی دیگر عدم شناخت عمیق است. آن‌ها از نظر فکری دچار تردیدهای زیادی هستند به گونه‌ای که در ادامه به علت عدم توان شناخت عمیق، توانایی لازم را برای انتخاب مسیر درست ندارند. این نوع انتخاب پیامدهای معرفتی جدی را برای آن‌ها به دنبال دارد و باعث بسته شدن مسیرهای شناخت در آن‌ها می‌گردد: «فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ». فقه در لغت به معنای علم به غایب و نامحسوس آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۲) یعنی آن‌ها بر اثر بسته شدن قلب‌هایشان، ادراکشان در حد محاسبات مادی است و مفاهیم دیگری غیر از آن را بر نمی‌تابند. این ویژگی با آیه هفتم همین سوره نیز تأیید می‌شود. که نشان می‌دهد عملکردهای اجتماعی چنین ناتوانی ناظر به چه مواردی است. از نظر آن‌ها غیر از قدرت‌های مادی چیزی نمی‌تواند بر روند امور

۱. داده آماری از طریق جستجو در نرم افزار جامع التفاسیر نور به دست آمده است.

تأثیرگذار باشد، بنابراین حمایت خدا از مؤمنین و رسول خدا (ص) در برابر تکانه‌های اقتصادی، در دستگاه ادار کی چنین افرادی بی تأثیر جلوه می‌کند.

با توجه به نفوذ اجتماعی این جریان، دیدگاه مادی گرایانه آنان ظرفیت گسترش در سطح جامعه را دارد به طوری که می‌تواند مؤمنان جامعه را به سمت دنیاگرایی و دور شدن از معنویت و ارزش‌های دینی سوق دهد.

علاوه بر این جریان نفوذ ویژگی‌های ظاهری و رفتاری دیگری نیز دارند که پرداختن به همه آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. (آخوندی، ۱۳۹۳: ۷۶-۵۳)

بعد از شناسایی دقیق جریان نفوذ زمینه برای اقدامات بعدی فراهم می‌گردد.

۲-۶. کنار گذاشتن نفوذی‌ها از مناصب حکومتی و مواضع قدرت

بعد از معرفی این جریان به عنوان دشمن، در آیه چهارم دستور اجرایی خاصی صادر شده است: «فَاَحْذَرُهُمْ فَاتَلَّهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (المنافقون: ۴). حذر در اصل ماده به معنای دور نگه داشتن ناشی از ترس آمده است (مصطفوی، ۱۳۸۶: ۱۸۲/۲).

دستور به دوری‌گزینی از جریان نفوذ به صورت فعل امر مفرد، خطاب به رهبر دینی است. این نکته بیانگر آن است که اولین اقدام علیه آنان باید در سطح حاکمیت و به دست رهبر جامعه دینی صورت بپذیرد نه عموم مردم.

فاء در ابتدای عبارت برای عطف مسبب بر سبب آمده است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۵۴/۲۸). یعنی دستور به حذر، به خاطر دشمن بودن این افراد و عدم تفاوت آنان با دیگر دشمنان است.

به طور کلی باید از این گروه بر حذر بود و آنان را از متن تأثیر گذاری طرد و اخراج کرد. (صباحی، ۱۳۹۶: ۲۸۵/۳). یکی دیگر از اقدامات در برابر آنان حفظ اسرار حاکمیت نسبت به آنان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۰/۱۰). بنابراین در این مرحله لازم است این افراد از مناصب قدرت مانند مناصب حکومتی و مسئولیت‌های اقتصادی دور نگه داشته شوند.

مطلق آمدن «العدو» بیانگر این است که واکنش علیه این جریان شامل همه کسانی می‌شود که چنین خصوصیتی دارند حتی اگر از نزدیکان افراد حاکم باشند. همان‌طور که در جای دیگر به آن تصریح شده است؛ «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ» (التغابن: ۱۴).

این راهبرد می‌تواند اقدامات براندازانه جریان نفوذ را در بیشتر زمینه‌ها محدود کند.

۳-۲-۶. راهبرد رأفت حاکمیت اسلامی درباره توأیین

این راهبرد ۳/۲۳ درصد را از کل سوره به خود اختصاص داده است. جذب حداکثری راهبردی است که در تمام مراحل مقابله با جریان نفوذ دیده می‌شود، به طوری که در کل سوره اقدامات خشن و مجازات‌هایی مانند اعدام دیده نمی‌شود. بلکه با توجه به درهم‌تنیدگی این جریان با اجتماع، تلاش می‌شود با مدیریت آن، تأثیرت سوء تحركاتشان به حداقل برسد. بعد از راهبرد عملی دوم و مقابله مستقیم حاکمیت با جریان نفوذ، هویت واقعی آنان برملا می‌شود. اما دستور بعدی در سوره، مجازات سریع آنان نیست. بلکه به منظور پالایش و غربالگری افراد، فرصتی برای جبران اقدامات گذشته آنان داده می‌شود. چنین اقدامی آگاهی لازم را به بدنه مردمی؛ که تحت تأثیر نفوذ اجتماعی این جریان بوده‌اند، می‌دهد. همان‌طور که در بخش‌های قبل بیان شد، افراد این جریان به‌طور معمول افرادی خوش سابقه بوده‌اند و سخنانشان حتی در سطوح بالای حاکمیت نیز شنیده می‌شده است.

از عبارت «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ» (المنافقون: ۵). برمی‌آید که برخی از خیانت‌ها و فسق افراد آشکار شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۱/۱۹) و یک مطالبه عمومی برای بازگشت آنان شکل گرفته است (صبحی، ۱۳۹۶: ۲۸۶/۲).

یک اعلام عمومی برای بازگشت و توبه افراد صورت می‌گیرد تا بار دیگر زیر پرچم واحد در بیایند. اما غرور و تکبر این گروه اجازه چنین کاری را به آنان نمی‌دهد؛ «لَوْؤُا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (المنافقون: ۵).

این اقدام حکومت می‌تواند این زمینه را فراهم سازد تا افکار عمومی که تحت تأثیر اجتماعی و رسانه‌ای این جریان بوده‌اند، آگاهی لازم را کسب کنند چرا که مقاصد آنان پیش از این برای عموم مردم آشکار نشده بود، به خصوص این که این افراد خوش سابقه و برخی از آن‌ها از اطرافیان حاکم دینی نیز به شمار می‌آمدند.

۴-۲-۶. پیگیری و محدود کردن

بعد از دستور «فاحذَرَهُمْ» و دادن فرصت دوباره، جریان نفوذ همچنان نسبت به مواضع قبلی خود اصرار می‌ورزند، با آنان اتمام حجت می‌شود: «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (المنافقون: ۶). بعد از این، استغفار پیامبر خدا (ص) هم فایده‌ای برای آنان ندارد، زیرا فسق عملی و اعتقادی آنها چنان عمیق شده است که زمینه‌های جبران گذشته از بین رفته است (صادقی تهرانی، ۱۴۲۳: ۳۶۳/۲۸). «غفر» در لغت یعنی پوشاندن چیزی است به طوری که به ندرت درباره آن صحبت شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۵/۴). بنابراین راهبرد کنار گذاشتن آنان از مناصب قبلی خودشان باید تداوم پیدا کند. این راهبرد ۳/۲۳ درصد از گزاره‌های کل سوره را در برمی‌گیرد.

تداوم این راهبرد باعث می‌شود حاکمیت در برابر هرگونه فشاری برای چشم‌پوشی از اقدامات آنان علیه حکومت، ایستادگی لازم را داشته باشد، این مطلب با توجه به آمدن لفظ «لَنْ» است که برای نفی ابد استعمال می‌شود.

چنین راهبردی در مقابل جریان نفوذ، در آیات دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته است: لَنْ يَنْتَهُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (احزاب: ۶۰). در تفسیر این آمده است اگر منافقان و بیمارداران دست از فسادانگیزی بر ندارند، و کسانی که اخبار و شایعات دروغین در بین مردم انتشار می‌دهند تا در بین مسلمانان دلهره و اضطراب پدید آورند و از کار خود دست برنمی‌دارند، تو را مأمور می‌کنیم تا علیه ایشان قیام کنی، و اجازه ندهی در مدینه، در جوارت زندگی کنند و از این شهر بیرونشان کنی، و جز مدتی کم مهلتشان ندهی (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۰/۱۶).

این راهبرد تهدیدات آینده جریان نفوذ را نیز خنثی می‌کند.

۴-۲-۵. جایگزینی عناصر باورمند به حاکمیت دینی

در مقابل اقدامات براندازانه جریان نفوذ آمده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (المنافقون: ۸). در این عبارت پیروزی در جناحی محقق خواهد شد که خدا، رهبر دینی و مؤمنین واقعی حضور دارند. اما باید توجه داشت عناصر مؤمنی که پیروزی از قِبَل آنان به دست می‌آید چه کسانی هستند. در آیه پانزده سوره حجرات خصوصیات این افراد توضیح داده شده است: «إِنَّمَا

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (الحجرات: ۱۵). طبق این آیه عناصر مؤمن کسانی هستند که بعد از باور به ارزش‌های دینی، در گذشته با پایمردی تزلزل و شکی به خود راه نداده باشند و دارای سوابق مجاهدت با مال و شرکت در جنگ و فعالیت‌های جهادی در راه خدا باشند. چنین کسانی مؤمنان راستین هستند. حاکمیت با تکیه بر چنین افرادی باید خلاء حضور آنان را پر کند. در واقع این افراد کسانی هستند که حرکتی در مقابل آنچه از سوی جریان نفوذ طراحی شده بود انجام می‌گیرد که نشان از ضرورت وجود برنامه‌های کلان مدیریتی در راستای خنثی‌سازی فعالیت این جریان دارد.

۶-۲-۶. استفاده از ظرفیت‌های مردمی

سیاق دوم سوره منافقون از آیه نهم با خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز می‌گردد و تا پایان سوره ادامه دارد. این نوع خطاب در قرآن برای نخستین بار در آیه ۱۰۴ سوره بقره آمده است و برای شرافت بخشیدن به مخاطبان خود به کار رفته است و منظور از آن افراد با سابقه و پیشتاز از میان مؤمنان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۷/۱).

آیه دهم سوره منافقون با یک جمله انشائی با مضمون «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ» آغاز می‌شود. مؤمنان به خصوص افراد با سابقه، به انفاق و هزینه کردن از رزق فراخوانده می‌شوند. رزق اعم از مال، آبرو و علم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۱). پس همه افراد در این موقعیت خطیر جامعه، به فراخور امکانات خود اعم از قدرت اقتصادی، نفوذ اجتماعی یا توان آگاهی‌بخشی به مردم، باید در خنثی‌سازی عملیات جریان نفوذ شرکت داشته باشند.

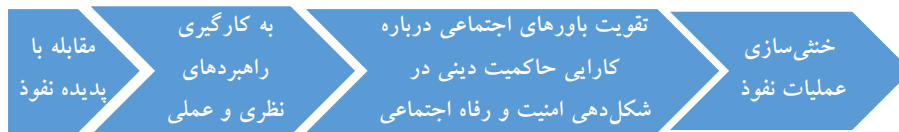
آن‌ها در این راه نباید بر این باور باشند که منشأ این هزینه‌ها دارایی‌های شخصی آن‌ها است، چرا که آیه محل تأمین آن را با عبارت «مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ» مورد اشاره قرار داده تا نشان دهد هر چیزی که در اختیار دارند در واقع از سوی خدا اعطا شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۹۱/۱۹). بنابراین حمایت‌های همه‌جانبه از حاکمیت دینی از سوی مؤمنان نه تنها نباید زمینه ساز سهم‌خواهی آنان از حکومت شود، بلکه فرصتی را برای آنان فراهم می‌آورد تا به مقام صالحین و شایستگان برسند.

استفاده از چنین ظرفیت‌هایی از سوی مردم مشکلات اقتصادی ناشی از تحرکات جریان نفوذ را کاهش می‌دهد.

■ مسأله نفوذ در حکومت و راهبرد مقابله با آن بر اساس تحلیل محتوای سوره منافقون

در نتیجه اجرای صحیح راهبردهای نظری و عملی انتظار می‌رود بستر فعالیت‌های جریان نفوذ از بین برود و به‌طور کلی رضایت عمومی از حاکمیت افزایش یابد و به این وسیله تهدید امنیت داخلی رفع گردد.

با توجه به مباحثی که در ذیل عنوان راهبردها بیان شد می‌توان الگوی ذیل را ارائه نمود:



نمودار ۷: مدل راهبرد حاکمیت دینی در مواجهه با جریان نفوذ بر اساس تحلیل محتوای سوره منافقون

۷. نتیجه‌گیری

از بررسی محتوای سوره منافقون و با توجه به قراین برون متنی مشخص گردید یکی از عملکردهای مهم جریان نفاق از نگاه قرآن نفوذ در ارکان حاکمیت با هدف براندازی آن است. این موضوع به‌صورت ویژه در این سوره مورد توجه قرار گرفته است. این سوره علاوه بر این موضوع یک موضوع تکمیلی نیز دارد که با نام راهبردهای مقابله کدگذاری شد. راهبردهای مقابله با هریک از زمینه‌های نفوذ و تهدیدات آن به صورت جدول (۲) قابل جمع‌بندی است:

جدول ۲: راهبردهای مقابله با زمینه‌های نفوذ مختلف و تهدیدات آن

راهبرد مقابله با جریان نفوذ در سطوح مختلف		انواع تهدیدات و اقدامات جریان نفوذ
سطح حاکمیت	شناسایی جریان نفوذ با توجه به ویژگی‌های آن پیگیری و محدود کردن	نفوذ سیاسی
	تقویت توان روحی، توکل به خدا و جایگزینی عناصر مؤمن و راسخ	نفوذ امنیتی
	استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای حمایت از حاکمیت دینی و اقلیت ضعیف	نفوذ اقتصادی
	راهبرد رأفت اسلامی بعد از بر ملا شدن مقاصد جریان نفوذ به منظور آشکارسازی نیت درونی افراد آن در میان افکار عمومی	نفوذ اجتماعی
سطح مردم	بازسازی معنویت و احیای ارزش‌های اصیل اسلامی	گسترش دیدگاه مادی‌گرایانه افراد نفوذی در سطح جامعه
	گسترش آخرت‌گرایی و مرگ‌باوری در میان مردم و ترغیب آنان به مشارکت‌های اجتماعی و حمایت از حاکمیت	غفلت جامعه مؤمنین از حمایت از حکومت و اقلیت ضعیف

فهرست منابع

- آخوندی، محمدباقر، (۱۳۹۲) «سنخ شناسی نفاق در قرآن مجید»، آموزه‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ۲۰.
- آقابخشی، علی و افشاری راد (۱۳۸۳)، مینو، فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپا.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ه.ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ ق) تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ه.ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- الهی زاده، محمد حسین. (۱۳۹۴) درسنامه تدبر ترتیبی قرآن. مشهد: موسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره.
- بابایی، محمد باقر، (۱۳۹۶) «راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن»، سیاست دفاعی، ۹۸، ۲۵، تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم [تدوین] علی اسلامی. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ه.ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
- خامه گر، محمد. (۱۳۹۶). اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خامه گر، محمد، (۱۳۸۱). «ساختار هندسی سوره‌های قرآن». گلستان قرآن، دی ۱۳۸۱، ۱۳۸. تهران: دی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ه.ق.). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم،
- زمرخسری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربی.
- صافی، محمود (۱۴۱۸ ق)، الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة. دمشق: دار الرشید.
- صوبحی طسوجی، علی (۱۳۹۷)، آشنایی با دانش تدبر در قرآن کریم. قم: مؤسسه تدبر در کلام وحی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ه.ش) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق)، تاریخ الرسل والملوک وصله تاریخ الطبری. بیروت: دار التراث.
- (۱۴۱۲ ه.ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ه.ق)، لفروق فی اللغة. بیروت: دار الافاق الجدیده.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی. تهران: اشجع.
- غلامحسینی، مصطفی (۱۳۷۷)، «علی بن یقظین، کارگزار حضرت کاظم (ع)» فرهنگ کوثر. ۱۳۷۷، ۱۵.

- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ه.ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث. تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ ق)، من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۶)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۲)، علوم قرآنی. قم: موسسه فرهنگی تمهید.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ ق)، الفقه علی المذاهب الخمسه. بیروت: الفقه علی المذاهب الخمسه.
- (۱۴۲۵ ق) التفسیر المبین. قم: دار الكتاب الإسلامی.
- (۱۴۲۱ ق) الفقه علی المذاهب الخمسه. بیروت: الفقه علی المذاهب الخمسه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه. دهم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ناصر، مکارم شیرازی (۱۳۸۶)، پیام قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ ق)، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ ق)، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- هاشمی، رفسنجانی (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب قم.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق)، اسباب نزول القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- Amadeo , KIMBERLY. Economic Power, Who Has It, How to Get It. The Balance. [Online] march 10, 2021. [Cited: june 15, 2021.] <https://www.thebalance.com/the-power-of-the-u-s-economy-3306226>.
- Angarita, Néstor Castañeda.(2014) ECONOMIC POWER AND POLITICAL INFLUENCE. Pittsburgh : **University of Pittsburgh**.
- Blackstock, Paul W. (1964). The strategy of subversion:: Manipulating the politics of other nations. Chicago : **Quadrangle Books**.
- Gass, Robert H.(2015) International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences. Amsterdam : **Elsevier**.
- Krippendorff, Klaus . **Content Analysis: an introduction to its methodology**. 2nd. s.l. : Sage Publications, 2004. 0-7619-1545-1.
- Qureshi, Lubna.(2009) Nixon, Kissinger, and Allende: U.S. Involvement in the 1973 coup in Chile. Lanham : **Lexington Books**.
- Rosenau, William.(2007) Subversion and Insurgency. **Santa Monica: Rand Corporation**.
- Webber, Patrick(2009) “Entryism in Theory, in Practice, and in Crisis: The Trotskyist Experience in New Brunswick”, 1969-1973. 1, Vol. 14, Toronto: **Left History**.

